

پدیده‌ای به نام بدحجابی



با مطالعه‌ی تاریخچه‌ی حجاب روشن می‌شود که اسلام مؤسس و مخترع حجاب نیست، بلکه حجاب یک امر فطری است که به آیین یا ملت خاصی اختصاص ندارد. شواهد تاریخی نیز فطری، فرا دینی و فرا ملی بودن حجاب را تأیید می‌کند.

با مطالعه‌ی تاریخچه‌ی حجاب روشن می‌شود که اسلام مؤسس و مخترع حجاب نیست، بلکه حجاب یک امر فطری است که به آیین یا ملت خاصی اختصاص ندارد. شواهد تاریخی نیز فطری، فرا دینی و فرا ملی بودن حجاب را تأیید می‌کند.

سلامتی یکی از مهم‌ترین خواسته‌های بشر محسوب می‌شود، خواسته‌ای که امروزه در پرتو پیشرفت علم و دانش و به تبع آن ارتقاء سطح فکری جوامع، اهمیت روزافزون پیدا کرده است. اما بشر عصر حاضر نسبت به بهداشت و سلامت جسم، بیش از سلامتی روح و روان توجه می‌کند، به گونه‌ای که از آغاز تولد، دستورالعمل‌های زمان‌بندی شده‌ای را به اجرا می‌گذارد تا مقاومت ایمنی بدن را در مواجهه با بیماری‌ها افزایش دهد.

هرچند این گونه تلاش‌ها جای تقدیر دارد، اما اهمیت سلامتی روح و روان کمتر از اهمیت سلامتی جسم او نیست؛ که خوش‌بختانه مکتب انسان‌ساز اسلام همان گونه که به سلامتی تن و جسم اهتمام ورزیده، برای سلامتی روح و روان نیز برنامه‌های جامع و گسترده‌ای را در نظر گرفته است که در این میان توصیه‌ی مؤکد به استفاده از پوشش مناسب، یکی از این برنامه‌ها می‌باشد؛ دستورالعملی که اگر به درستی اعمال شود از وقوع بسیاری از ناهنجاری‌هایی که سلامت فرد و جامعه را تهدید می‌کند جلوگیری به عمل می‌آورد.

نگاهی به پیشینه حجاب

یکی از مهم‌ترین راهکارهای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، تبیین و بازگو نمودن پیامدها و تبعات ناگوار بدحجابی است؛ چرا که بسیاری از افراد بدحجاب، به دلیل عدم آگاهی از پیامدهای ناگوار آن، نسبت به پوشش‌شان سهل‌انگاری می‌کنند و چه بسا اگر اطلاع درست و روشنی از پیامدهای منفی بدحجابی داشتند، هرگز گرفتار این مرداب نمی‌شدند.

با مطالعه‌ی تاریخچه‌ی حجاب روشن می‌شود که اسلام مؤسس و مخترع حجاب نیست، بلکه حجاب یک امر فطری است که به آیین یا ملت خاصی اختصاص ندارد. شواهد تاریخی نیز فطری، فرا دینی و فرا ملی بودن حجاب را تأیید می‌کند؛ به گونه‌ای که آثار و بقایای برجای مانده از ملل مختلف بیانگر آن است که حجاب، قبل از اسلام در ادیان دیگر و نیز در میان بسیاری از ملل متمدن جهان، مرسوم و متداول بوده است.

زن‌های یونان قدیم و زنان شهر تب، حجاب مخصوصی داشتند که غیر از دو چشم، تمام صورت را می‌گرفت. در اسپارته، دختران بعد از اختیار شوهر صورت خود را می‌پوشاندند و زنان در وقت خارج شدن از خانه‌ها، مکلف به حجاب بودند. « به گواهی تاریخ در یونان، روم، مصر و ایران زنان و به‌خصوص زنان شهرنشین و زنان طبقه‌ی اشراف خود را می‌پوشیده و از نظرها دور می‌داشتند. ժ، ج 1، ص 642) (جعفریان،

در میان زنان‌های سیبلیرتین و قبایلی که در آسیای صغیر اقامت داشتند عادت حجاب جاری بود. رومانی‌ها در عصر شوکت خود اهتمام به حفظ قانون حجاب داشتند. (همان، 171) در روم شرقی، حجاب با شدت هرچه تمام‌تر رواج داشت، در میان مسیحیان و اروپائیان حجاب معمول و متعارف، تا قرن سیزدهم سخت رایج بود. (همان، 642)

حجابی که در قوم یهود معمول بوده از حجاب اسلامی، بسی سخت‌تر و مشکل‌تر بوده است، به گونه‌ای که ویل دورانت در این زمینه می‌نویسد: « اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت چنان که مثلاً بی‌آن‌که چیزی بر سر داشت، به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام، نخ می‌رشت، یا با هر سخی از مردان درد دل می‌کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد. բ، ج 19، ص 385) (مطهری،

همچنین در تاریخ نقل شده است که پوشش زنان مسیحی تا قرن سیزدهم، لباسی بلند بود که تقریباً به زمین می‌رسید و در هنگام عبادت هم این لباس را بر تن داشتند. بنا به گفته‌ی ویل دورانت، حتی در مراسم شادی و تفریح از لباس‌های پوشیده و چادر استفاده

می‌کردند و زنان اشراف نیز از این قانون مستثنی نبودند. (مهدی‌زاده، 1386، 44)

جایگاه عفاف در اسلام

عفت و پاک‌دامنی در دین مقدس اسلام از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که قرآن کریم صریحاً به حفظ عفت سفارش کرده و می‌فرماید: [171#&](#) «وَلِيَسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور، آیه‌ی 34) و آن‌ها که وسیله‌ی ازدواج ندارند باید عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را به فضلش بی‌نیاز سازد. [raquo&](#) در روایات اسلامی نیز از عفت و پاک‌دامنی بسیار یاد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

عفت، زکات زیبایی

با توجه به روایات، هر چیزی زکاتی دارد؛ به عنوان مثال زکات علم، نشر آن است، زکات مال، بخشش است (محدث نوری، 1408، ج 7، ص 7616، 46) و... جالب است که برای زیبایی نیز زکات تعریف شده است حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: [171#&](#) «زکاه الجمال العفاف؛ زکات جمال و زیبایی، عفت و پاک‌دامنی است. [raquo&](#)» (همان)

عفت، برترین عبادت

روایات اعمال مختلفی را به عنوان عبادت برتر معرفی کرده است که یکی از آن‌ها عفت و پاک‌دامنی است حضرت امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: [171#&](#) «مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عَقِّ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ» (محدث عاملی، 1404، ج 15، ص 249)

عفت، شاخصه شیعه

در روایت دیگر امام صادق(ع) امور مختلفی را به عنوان صفت شیعه بر می‌شمارد که یکی از آن‌ها عفت و پاک‌دامنی است: [171#&](#) «إِمَّا شِيعَةُ جَعْفَرٍ مَنْ عَفَّ بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ وَ اشْتَدَّ جِهَادُهُ وَ عَمِلَ لِخَالِقِهِ وَ رَجَا ثَوَابَهُ وَ خَافَ عِقَابَهُ فَإِذَا رَأَيْتَ أُولَئِكَ فَأُولَئِكَ شِيعَةُ جَعْفَرٍ؛ همانا شیعه‌ی جعفر(امام صادق) کسی است که شکم و دامنش باعفت باشد و کوشش و جهادش شدید باشد و برای آفریدگارش عمل کند و به امید ثواب خدا باشد و از عقاب خدا بترسد، چون چنین افرادی را دیدی بدان که آنان شیعه‌ی جعفر هستند. [raquo&](#)» (همان، ج 15، ص 251)

اهتمام کتب به عفت

در اهمیت عفت همین بس که در کتب روایی از قبیل کتاب ارزشمند کافی (کلینی، 1362، ج 2، ص 79) و وسائل‌الشیعه (محدث عاملی، 1409، ج 15، ص 249) بابی تحت عنوان [171#&](#) «باب العفه»؛ گشوده شده و روایات مربوط به عفت در این ابواب جمع‌آوری شده است.

پیامدهای بدحجابی

بدون شک بدحجابی همانند هر ناهنجاری اجتماعی دیگری، پیامدها و تبعات منفی بسیاری را در پی دارد.

خود فراموشی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای بدحجابی، خودفراموشی و از خودبیگانگی است؛ چرا که فرد بدحجاب به دلیل فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی که همواره بر عفت و پاک‌دامنی تأکید می‌کند؛ و نیز سرسپردگی و اطاعت محض از هواهای نفسانی، خدا را فراموش می‌کند، که با توجه به نص صریح قرآن کریم، خدافراموشی، خودفراموشی را در پی خواهد داشت. (حشر، آیه‌ی 19) هنگامی که انسان خدا را ناظر اعمال خویش نداند، هواهای نفسانی سایه‌ی سیاه خویش را بر سر او می‌گستراند و زمینه را برای طغیان و شعله‌ور شدن غرایز مهیا می‌سازد.

یکی از این غرایز سرکش، غریزه‌ی خودنمایی است و از آن جایی که زمینه‌ی طغیان این غریزه، در فرد بدحجاب به دلیل تمایل شدید او به خودنمایی، بیش از دیگران وجود دارد، لذا در صورت عدم مهار آن، آتش آن روز به روز شعله‌ورتر می‌شود، به گونه‌ای که جذاب‌تر از روز قبل ظاهر شدن در انظار عمومی، به مهم‌ترین خواسته‌ی فرد تبدیل می‌شود و بخش عظیمی از نیرو، سرمایه و وقت او به اشباع کردن این غریزه اختصاص می‌یابد؛ تا جایی که حریم‌ها و خط قرمزهای اعتقادی و دینی نادیده گرفته می‌شوند. فرد به فطرت پاکش

پشت می‌کند و تدریجاً هویت اصیل خویش را به فراموشی می‌سپارد.

اسارت فکری و روحی

اسارت، گونه‌های مختلفی دارد، گاهی جسم انسان در پشت سلول‌های آهنین، اسیر و گرفتار می‌گردد، و گاهی روح و فکر انسان به بردگی و اسارت هوا و هوس در می‌آید. بدون تردید، بردگی فکری و روحی به مراتب دردآورتر از اسارت جسمی است؛ تا آن جا که حضرت علی(ع) آزادی را در ترک هواها و شهوات نفسانی دانسته و می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا» (مجلسی، ج 74، ص 239)

فرد بدحجاب تمام تلاشش آن است که هر روز با پوشاک و مدل آرایش جدید وارد جامعه شود و به همین دلیل برای آگاهی از جدیدترین مدهای روز دنیا، ناخواسته خودش را به اسارت فرهنگ مسموم غرب در می‌آورد. همان چیزی را می‌پوشد که مانکن‌های ماهواره‌ای تبلیغ می‌کند، همان آرایشی را بر می‌گزیند که بازیگران هالیوود و بالیوود انتخاب کرده‌اند.

مخرب‌ترین سلاح دشمن

دشمنان اسلام در طول تاریخ برای سیطره پیدا کردن بر جوامع اسلامی از ابزارهای گوناگون همچون ابزارهای نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی استفاده کرده‌اند که در این میان، بدحجابی و به دنبال آن ترویج و گسترش فساد و فحشا، یکی از خطرناک‌ترین سلاح‌های دشمن به شمار می‌آید؛ سلاحی که برخلاف سلاح‌های متعارف، روح و جان انسان را هدف قرار داده و او را از درون متلاشی می‌سازد. «مستر همفر»؛ جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی، در خاطرات خود می‌نویسد: «باید زنان مسلمان را فریب داد و از زیر چادر و عبا بیرون کشید... پس از آن که زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آن‌ها بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد.»

سلاح فساد و فحشا که با کمترین هزینه، گستره‌ترین تخریب‌ها را به دنبال دارد، ظاهراً توفیقات فراوانی را برای غرب در پی داشته است. بطور مثال بدحجابی زمینه‌ساز شکست اندلس است. مسلمانان در اندلس قدیم یا اسپانیای امروزی، هشتصد سال حکومت کردند و تمدن بزرگ اسلامی را در اروپا پایه‌ریزی کردند، تمدنی که سرآغاز تحول عظیم علمی و صنعتی گردید. به عنوان مثال در شهر «قرطبه»؛ هفتاد کتابخانه وجود داشت که 400/000 نسخه کتاب داشت. دانشگاه «قرطبه» هم در سراسر اروپا مشهور بود. (فیلیپ خوری، 1380، 672)

مسلمانان اسپانیا با وجود این همه دستاوردها و افتخارات، در عرصه‌ی جهاد اصغر و عملیات نظامی، بسیار خوش درخشیدند و همواره پیروز میدان بودند؛ اما در عرصه‌ی جهاد اکبر و مبارزه با نفس، تاب مقاومت را از دست دادند. استاد مطهری در این زمینه می‌گوید: «مسیحیت چگونه بر آن جا غلبه کرد؟ نقشه کشید و دو مسئله را در آن جا رایج کرد: یکی مسئله‌ی بی‌حجابی و دیگر مسئله‌ی مشروب‌خوری... دستور دادند دختران بسیار زیبای مسیحی به بهترین وجه آرایش کنند و در خیابان‌ها گردش و رفت و آمد نمایند و در روابط با مردان، آزاد باشند.» (مطهری، 1382، 262)

همچنین دشمنان اسلام برای سیطره پیدا کردن بر الجزایر نیز از هجمه‌ی بدحجابی استفاده کردند. «اولین اقدام ضدفرهنگی که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود و در این کار موفق شد و هرچه بدن زن الجزایری را بیشتر عریان کرد، چنگال استعمال بیشتر به حلقوم الجزایر فرو رفت.» (مهدی‌زاده، 1386، 140)

زمینه‌ساز استعمار فرهنگی

رهایی از استعمار و سلطه‌ی دیگران و دستیابی به استقلال یکی از مهم‌ترین خواسته‌های یک ملت به‌شمار می‌آید. حفاظت و حراست از استقلال فرهنگی، یکی از مهم‌ترین وظایف افراد جامعه می‌باشد؛ همان فرهنگی که نسل به نسل به آنان رسیده است. بهترین راه دستیابی به این مهم، توجه به نمادهای فرهنگی است که در این میان پوشش مناسب یکی از مهم‌ترین نمادهای فرهنگی جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

مسلمانان با استفاده از پوشش متناسب با ارزش‌های حاکم بر جامعه‌ی اسلامی، استقلال فرهنگی کشورشان را بیمه می‌کنند و در حقیقت با لباس خود، ملیت و گرایش دینی خود را به جهانیان اعلام می‌کنند و بدین سان زمینه‌ی اعتلا و پیشرفت فرهنگ غنی‌شان را فراهم می‌سازند. «وقتی یک خارجی و غریبه وارد محیطی می‌شود، نخستین علامتی که او را می‌شناساند همان لباس اوست و گویی انسان‌ها با لباس خود با یک‌دیگر صحبت می‌کنند و هر کس به زبان لباس خویش، خود را معرفی می‌نماید که من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ و به چه دنیا و فرهنگی تعلق دارم.» (عادل، 1376، 8) افراد بدحجاب در حقیقت نقش «تخریب‌چی

فرهنگی؛ را برعهده دارند و با هنجارشکنی اجتماعی، زمینه‌ی استقرار استعمار فرهنگی را فراهم می‌آورند.

عامل رشد میزان طلاق

بدحجابی به عنوان یک پدیده‌ی هنجارشکن، سبب کم‌رنگ شدن تدریجی اصول مذهبی و اخلاقی در فرد می‌شود و به مرور زمان موجب شکسته‌شدن حریم‌ها، از بین رفتن قبح روابط بی‌قید و بند، از میان رفتن علاقه و محبت میان زوجین، از بین رفتن حس اعتماد و ایجاد بدبینی در میان آن‌ها خواهد شد. آمار نیز بدحجابی را به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل زمینه‌ساز طلاق معرفی می‌کند تا جایی که برخی از صاحب‌نظران ریشه و عامل 49% از طلاق‌های صورت گرفته در برخی از استان‌ها را بدحجابی عنوان کرده‌اند. (ر.ک: ghatreh.com/news/nn5221182)

منابع

قرآن کریم.

- جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، ج 1، قم، دلیل ما، 1386.

- عادل، حداد، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، 1376.

- فیلیپ خوری حتی، تاریخ غرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، علمی و فرهنگی، 1380.

- کلینی، الکافی، اسلامیه، 1362.

_ محدث عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، آل البیت، 1409.

- محدث نوری، مستدرک الوسائل، آل البیت، 1408.

- مجلسی، بحار الانوار، اسلامیه، بی تا.

- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدا، 1378.

- _____ پانزده گفتار، صدا، 1382.

- مهدی زاده، حسین، پرسمان حجاب، صهبای یقین، 1386.

عبدالله زکی، کارشناس ارشد فقه قضایی

منبع: ماهنامه پیام زن - شماره 251